



بررسی رابطه خلاقیت و پیشرفت تحصیلی

- علی خالدی سردشتی^۱، حسن خالدی^۲، بهنام خالدی سردشتی^۳، سیدرضا شیرمردی^۴، روح اله انصاری^۵
- ۱- کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهر کرد
 - ۲- کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهر کرد
 - ۳- کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهر کرد
 - ۴- کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهر کرد
 - ۵- کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهر کرد

چکیده

این پژوهش با عنوان بررسی رابطه خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر کلاس ششم دو تا از مدارس شیراز انجام شده است.

جامعه پژوهش عبارت است از کلیه دانش آموزان سال ششم ابتدایی در شهرستان شیراز که از بین آنها ۱۲۰ آزمودنی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب گردید.

ابزار اندازه گیری در این تحقیق عبارت است از آزمون مداد کاغذی چند جوابی برای سنجش خلاقیت (MPPT) و همین طور برای سنجش عملکرد تحصیلی افراد از معدل نیم سال گذشته آنها استفاده شد که پس از جمع آوری داده ها با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون به تحلیل داده ها پرداخته شد که ضریب همبستگی



($I=25\%$) به دست آمد و معلوم شد که بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار و مثبتی وجود

دارد.

مقدمه :

در برنامه های تربیت معلم، روش های پرورش استعداد ابداع و خلاقیت به معلمین در مراحل مختلف تحصیلی تعلیم داده شود. در مورد خلاقیت و شناخت کودکان خلاق باید خاطر نشان سازیم، قبل از اینکه کودکی بتواند خلاق شود به شرایط و یا محیط مناسب نیاز دارد. سیاستی که اکنون در آمریکا دنبال می شود و دارای ابعاد جهانی می باشد مؤید این نکته است، یعنی به دنبال افراد تیزهوش و خلاق در سطح جهان هستند تا با فراهم ساختن زندگی بسیار مطلوب، آنها را به کشور خود فراخوانده و با آموزش های مناسب و با امکانات بسیار پیشرفته زمینه را برای بروز خلاقیت ها در آنها آماده کرده تا در آینده کشورشان را صاحب قدرت و مشعل دار علم و تکنولوژی کنند. اگر به آمار محققان و مکتشفان این کشور نگاه کنیم می بینیم که شمار بسیاری از آنها از کشورهای دیگر و از جمله کشور ما ایران می باشند. البته باید توجه داشت که عوامل ژنتیک، پیدایش استعداد خلاقیت را در افراد ممکن می سازد ولی با وجود آن بروز و رشد این استعداد به شدت تحت تأثیر محیط غنی و والدین و مربیانی آگاه می باشد. خلاقیت موضوع بسیار پیچیده ای است و شناخت و شکوفا سازی آن به عنوان یک استعداد نیازمند فراهم آوردن روش های تربیتی نوین است و اهمیت این موضوع در جامعه صنعتی امروز به ویژه در دنیای رایانه ها ملموس تر می شود. همچنین



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

نقش مدرسه و مربیان در جهت پرورش افکارخلاق و رشد توانایی های این گونه افراد از اهمیت بسزایی برخوردار

است.(حسینی، ۱۳۹۱)

هدف این پژوهش آن است شفاف کند که خلاقیت به عنوان یک توانمندی چه ارتباطی با پیشرفت تحصیلی دانش

آموز دارد. و راهکارهای پرورش و رشد خلاقیت در کودکان چیست و چه عواملی می تواند مانع رشد خلاقیت در

کودکان شود.

مسأله پژوهشی

بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد؟

فرضیه پژوهشی

بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی رابطه مثبت وجود دارد.

اهداف تحقیق

با توجه به نیاز جوامع بشری خصوصاً کشور ما به استعدادها و ذهن های خلاق خصوصاً در دفع تنگناهای موجود و

ابداع و خلق روش ها و فنون نو،هدف از انجام این پژوهش بهادادن و اهمیت گذاشتن به این ذهنهای خلاق و آگاهی



دادن به جامعه خصوصاً والدین و معلمان در رابطه با چگونگی برخورد با این استعدادهای خدادادی و راههای پرورش و رشد خلاقیت آنها می باشد. و همین طور بر آنیم تا مشخص کنیم که خلاقیت با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد.

مبانی نظری

خلاقیت: تورنس (۱۹۵۹) (نقل از کفایت ۱۳۷۳) در تعریف خلاقیت اظهار می دارد: خلاقیت فرآیندی است مشتمل بر حساسیت به مسائل، کمبودها، تنگناها و ناهماهنگی ها این حساسیت در پی تشخیص مشکل یا مشکلاتی به وجود می آید و به دنبال آن جستجو، برای یافتن راه حل هایی جهت رفع آن مشکلات و طرح فریضه هایی برای این منظور آغاز می گردد، پس از آن فریضه های مطرح شده و راه حل های ناشی از آنها مورد آزمایش قرار می گیرد و در صورت لزوم دستکاری می شود و تغییرات لازم در آنها به وجود می آید و بالاخره نتایج حاصل از این آزمایش منتشر می گردد. (کفایت ۱۳۷۳)

ب) تعاریف عملیاتی

خلاقیت: در این پژوهش برای سنجش خلاقیت از آزمون مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت (MPPT) استفاده شد.

پیشرفت تحصیلی: برای اندازه گیری یا سنجش پیشرفت تحصیلی از معدل ترم قبل از دانش آموزان استفاده شد.

خلاقیت

سال ۱۹۵۰ را می توان نقطه عطفی در برخورد نسبت به مفهوم خلاقیت، میزان و توزیع آن در افراد اجتماع تلقی

نمود. در این سال گیلفورد در کنگره روان شناسان آمریکا که خود ریاست آن را برعهده داشت به دنبال یک سلسله



تحقیقات و بررسیها اظهارداشت:خلاقیت نباید فقط از زاویهٔ مخصوص مربوط به اعمال و فرآورده های ابداعی موردتوجه قرارگیرد، بلکه باید بطور قطعی یعنی به عنوان استعداد ذهنی بالقوه که به درجات مختلف در همه افراد بشر اعم از کوچک و بزرگ وجود دارد مورد مطالعه قرارگیرد. (نریمانی، ۱۳۷۰)

به عقیده گیلفورد تا موقعی که انسان به مشکلی برخورد نکند و زندگی او از روز عادات و یا بر مبنای دور زدن مشکلات سپری شود، خلاقیتی در کار نیست، ولی همین که به مشکلی برخورد کرد و خواست آن را حل کند فرآیند فکری و اعمالی که متعاقب آن برای حل مشکل ایجاد شود خلاقیت نام دارد. هرچه فرد هوشمندتر باشد کنجکاوی بیشتری دارد. انگیزه کنجکاوی زیربنای خلاقیت است، البته کنجکاوی واگرا، نه همگرا. با توجه به اینکه در این سال و سالهای متعاقب آن توجه زیادی به این مسئله شده است ولی به نظر می رسد که هنوز اندیشمندان در مورد خلاقیت و تعریف آن با همدیگر اختلافات زیادی داشته باشند چراکه هر کدام به گونه ای آن را تعریف کرده است. برای مثال وارن^۱ (۱۹۳۴) درباره تعریف خلاقیت می گوید: خلاقیت به منزلهٔ ظرفیت پاره ای از افراد است در پدید آوردن آنها قبلاً ناشناخته بوده اند.

مارکسپری^۲ (۱۹۹۲) (نقل از بهروزی ۷۵) می گوید: نتیجه تولید خلاقیت تعیین کننده نیست و آن فقط موقعی نیست که فرد خلاق چیز جدیدی ارائه کند که قبلاً وجود نداشته است بلکه اختراع مجدد نیز نوعی خلاقیت به شمار می رود. با توجه به آراء اندیشمندان تعاریف معتبر خلاقیت و آفرینشگری را می توان در چهار دسته تقسیم نمود: ممکن است آفرینشگری از دیدگاه خلاق یعنی بر حسب فیزیولوژی فرد مانند عاداتها و ارزش های او مورد ملاحظه

۱-Warren

۴-Marksbery



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

قرارگیرد. همچنین آفرینشگری می تواند از طریق فرآیندهای ذهنی مانند انگیزش، ادراک، یادگیری، تفکر و ارتباط تعیین شود که در کنش خلاق ظاهر می شوند. سومین تعریف آفرینشگری متوجه تأثیرات فرهنگی و محیطی است. سرانجام ممکن است آفرینشگری را بر حسب نتایج حاصل از آن مانند نظریه ها، اختراعات، نقاشی ها، کندوکاو و

اشعار شناخت (بهروزی ۱۳۷۵)

هوش و خلاقیت:

گیلفورد هوش و خلاقیت را دو عامل فکری جداگانه می داند. او ضمن تشریح اعمال مختلف ذهنی، تفکر همگرا را هوش و تفکر واگرا را خلاقیت می داند. تفکر همگرا منجر به راه حل درست واحدی می شود که براساس واقعیت های ارائه شده قابل کشف است. تفکر واگرا نوعی از تفکر است که در جهات مختلف سیر می کند. این نوع تفکر کمتر تحت انقیاد فکری واقعیت های ارائه شده قرار می گیرد، تغییر جهت در حل مسأله را امکان پذیر می سازد و منجر به راه حل ها و فرآورده های گوناگون می شود (نریمانی ۱۳۷۰)

پرورش خلاقیت در کودکان

برای پرورش و رشد خلاقیت در کودکان چه می توان کرد. در زیر پیشنهادهای چند برای پرورش خلاقیت کودکان می آوریم.

۱- احترام به سؤالات عادی و غیرعادی: برای ارضاء کنجکاوی کودک هیچ چیز مثل دادن جوابهای مناسب و صحیح به سؤالات او نیست. سؤال در واقع انعکاسی از مغز تشنه ای است که می خواهند با دریافت جواب از مغزی که بهتر از او می داند خود را سیراب کند تا از پژمردگی و مرگ خود جلوگیری نماید. اگرچه احتیاج باید فوراً برآورده شود



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

ولی کمی مکث بین سئوال و جواب غالباً می تواند افکار و ایده های مفیدی برای مباحثه ببار آورد. طرز ارائه جواب هم بستگی به پیچیدگی سئوال دارد در جایی باید مسقیماً جواب داد که کودک نتواند مستقلاً جواب خود را توضیحات ما دریافت دارد. گاهی وضعی پیش می آید که مربی باید خود را برای سؤالهای غیرعادی و نامربوط آماده کند. این نوع سئوالات مطروحه از طرف کودکان باید مثل سئوالهای عادی پذیرفته شوند. بزرگترانی که با ترشروی به اینگونه سئوالهای بچه ها جواب می دهند کنجاوی کودک را خدشه دار می سازند. باید همیشه در نظر داشت که فکر کودک مثل بزرگسالان مرتب و منظم نیست و آنها در سئوالاتشان هم مثل بازیهایشان به آسانی از این شاخه به شاخه دیگر می پرند. مطلب دیگر اینکه باید کودکان را در جواب دادن به سئوالات شرکت داد و از آنها اظهار نظر خواست. جستجو برای یافتن جواب در واقع باید جستجویی دو جانبه باشد گاهی اوقات بهتر است به او بگوییم سعی کند جواب سئوالش را خودش پیش بینی نماید و او را راهنمایی کنیم تا آن پیش بینی را گرچه غلط هم باشد بر مبنای مشاهدات و تجربیات خود تجزیه و تحلیل کند. (خانزاده ۱۳۶۳)

۲- جواب باید طوری باشد که کودک را به سئوال های تازه هدایت کند : و باید به هنگام جواب دادن به هر سئوال کودک را به معماهای تازه تری بکشاند تا ذهن او خود آگاه و ناخود آگاه مشغول کنکاش و جستجو باشد. روی این اصل از به کاربردن کلماتی از قبیل بلی، خیر، البته، هرگز، مطمئناً و امثال آن باید اجتناب کرد. چون این نوع جوابها برای چشمه جوشان کنجاوی کودکان مضر است و علاوه براین او را فردی بار می آورد که برای هر مسئله و مشکلی در



زندگی فقط به دنبال یک راه حل می گردد و از امکانات مختلفی که ممکن است برای حل آن مشکل وجود داشته باشد غافل می ماند.

۳- به کودکان نشان بدهیم که عقاید آنان با ارزش است. لازم است که والدین و مربیان نه تنها درباره امور و وسایلی که مربوط به کودکان می شود بلکه همچنین درباره مسایل و امور خانه و مدرسه که دخالت کودک در آنها شایسته است از او نظر بخواهند و عقاید او را هم مثل عقاید بزرگتران در حضور خود کودک به بحث و گفتگو بگذارند. اگر عقیده او به کار بسته نخواهد شد باید توضیحات لازم و کافی برای ارضای او داده شود. در همین زمینه تورنس می گوید آنقدر عقاید با ارزش در افکار کودکان زیاد است که آن دسته از بزرگتران که عکس این را فکر می کنند باید خود را برای مقابله با کودکان در زمینه ارائه عقاید با ارزش بسیج و آماده کنند. همچنین راه دیگر احترام به عقاید کودکان شرکت در بازیهای آنها و تماشای فیلم های مورد علاقه آنها و ... می باشد. (خانزاده ۱۳۶۳)

۴- احترام به عقاید عادی: کودکانی که به نوعی خلاقیت آنها برانگیخته شده است روابط و مفاهیمی را می بینند و درک می کنند که والدین و مربیان آنها ممکن است درک نکنند و گاهی چنان عقایدی را مطرح می کنند که بزرگترها قادر به ارزشیابی و جایگزینی آن نیستند. از آنجا که متأسفانه فدردانی از چنین عقایدی در بخش بسیار بزرگی از اجتماع ما مرسوم نیست به خلاقترین کودکان این بخش از اجتماع توجه کافی در زمینه خلاقیت مبذول نمی گردد و آنان پاداشی به خاطر این برتری خود دریافت نمی دارند. ترغیب عقاید نو و



غیرعادی همراه با قدردانی از آنها اصولی هستند که در تربیت خلاقیت همیشه باید موردنظر باشند(خانزاده

۱۳۶۳).

۵- گاهی اوقات یادگیری باید بدون ارزشیابی باشد، ما مجبور نیستیم هر چیزی را مورد ارزشیابی قرار دهیم. کودکان

احتیاج به ساعاتی دارند که در آن یادگیری آنها مورد ارزشیابی قرار نگیرند. همانطور که کارل راجرز می گوید ارزشیابی

خارجی رفتاری است که در انسان احتیاج به دفاع را برمی انگیزد. بطوریکه قسمتی از محسوسات و تجربیات خام

طفل از رسیدن به آگاهی کامل باز می مانند. در اینجا صحبت فقط بر سر نمره نیست بلکه مربی باید از اظهارات و

نظرات هم خودداری نماید. رعایت این اصل باعث می شود که حالت رودربایستی تا اندازه ای زیاد از بین برود و در

واقع زمینه برای تولید و رشد افکار نو و یادگیریهای مبتکرانه فراهم شود. بهتر است که این کار از همان سالهای اول

ابتدائی شروع شود زیرا در کلاسهای بالاتر شاگرد آنچنان به ارزشیابی عادت می کند که اگر معلمی عدم ارزشیابی را

مطرح کند این نیز بر فکر او اثر خواهد گذاشت(خانزاده ۱۳۶۳)ویژگیهای کودکان خلاق

تا سال ۱۹۶۰ در اغلب کتب و نشریه های مربوط به تعلیم و تربیت ویژگیهای کودکان تیزهوش و خلاق یکجا مورد

بحث قرار می گرفت. پس از آنکه گیلفورد نظریه جدا بودن تیزهوشی و خلاقیت را مطرح کرد و این نظر بعداً مورد



تأیید روان شناسان دیگر نیز قرار گرفت که ویژگیهای کودکان خلاق را جدا بررسی کند. کودکان و دانش آموزان خلاق

در سه مورد دارای ویژگی های مشخص اند که این سه مورد عبارتند از:

۱- کنجکاوی ۲- پشتکار ۳- نیاز به استقلال

۱- کنجکاوی: یکی از ویژگی های طبیعی یک کودک خلاق تمایل شدید او به سؤال کردن است. هر ناشناخته ای او را به پرسش و می دارد و از آنجایی که میل شدیدی به آگاهی بر مسایل نامفهوم و غیرمعمول دارد لذا پرسشهایش زیاد، مکرر و پشت سر هم می باشد. معلم شایسته و آگاه به سرعت متوجه وجود شاگرد خلاق می شود. آلبرت انشتین به سبب پرسشهای زیاد و پی در پی و ذهن جستجوگرش مورد سرزنش معلمان خود واقع شد و ناراحتی های زیادی را تحمل کرد. کنجکاوی بیش از حد باعث بروز اختلاف بین او و معلم علومش شد و سرانجام به اخراج او از مدرسه منجر شد، بعد از کلاس معلم راجع به اثر بدی که سوالات مکرر انشتین روی سایر شاگردانش گذاشته بود صحبت کرد و گفت که او باعث از بین بردن احترام معلم نزد سایرین شده است. او لیستی از سوالات انشتین را که شامل موارد زیر بود تهیه کرد:

چرا نمی توانیم حرکت زمین را احساس کنیم؟ فضا چیست و چه چیزی موجب می شود که زمین در هنگام حرکت تکه تکه نشود؟ باعث تأسف است که چنین معلمانی قارذ به تشخیص خلاقیت در شاگردان خود نیستند. اساس هر تفکر خلاق، قدرت درک ناشناخته های علمی، تشخیص فضاهای خالی دانش بشری و درک مسایل و نقصهاست. چنین



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

سئوالاتی نباید موجب ترس و وحشت معلمان شود و تصویر از بین رفتن احترام آنان را نگران سازد. (نیسان، حیدری

پاک، نیکرو ۱۳۷۷)

۲- پشتکار: یکی از نشانه های سطوح بالای خلاقیت پافشاری، پشتکار و مقاومت در مقابل سختیها برای رسیدن به

هدف است. زندگانی بیشتر مخترعین از پشتکار آنان حکایت می کند به عنوان مثال نام ادیسون در دوران نوجوانی

بارها با مشکلاتی طاق فرسا روبه رو شد. از جمله به علت انفجاری که در آزمایشگاهش در قطار به وقوع پیوست کار

خود را از دست داد. (نیسان، مریم السادات و دیگران ۱۳۷۷)

۳- نیاز به استقلال: کودک خلاق در صورت سازش با محیط باز هم خود را آزاد و مستقل نمی بیند و احساس فشار

می کند. او در بیرون از مدرسه علاقه زیاد به ساختن و یا ابداع و اختراع وسایل جدید دارد. اگر خلاقیت و نوآوری اش



در زمینه ادبیات باشد کتابخانه را رها نمی‌کند، بیشتر اوقات می‌خواند و می‌نویسد و گاه آثاری شگرف و ارزشمند و

جاودانی پدید می‌آورد (نیسان، مریم السادات و دیگران ۱۳۷۷)

نظریه های مربوط به خلاقیت

از آنجایی که در مورد خلاقیت یک نظریه واحد مورد پذیرش همگان وجود ندارد. ابتدا تعداد از نظریه های متفاوت

گذشته و حال را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نظریه گشتالت

نوع دیگری از تبیین خلاقیت این است که، تفکر خلاق بازسازی گشتالها یا الگوهایی است که از نظر ساختاری ناقص

هستند. تفکر خلاق معمولاً با وضعیتی مساله دار شروع نظیر آرگود^۱ (۱۹۳۵) نیز کوشیده اند که رفتار خلاق را با

استفاده از مفهوم

«پاسخ های کلامی واسطه ای» توضیح دهند. (بهروزی ۱۳۷۵)

مکتب شناختی

روان شناسان شناخت گرا این نکته را مطرح کرده اند که مکتب رفتارگرایی، نقش شناختی را در فرآیند آفرینندگی

مورد توجه قرار نداده اند. در حالی که از نظر مکتب شناختی فرد در دادوستد با محیط خود اطلاعاتی کسب می‌کند و

مسیر و نحوه دریافت سازماندهی، انبار کردن و به کارگرفتن اطلاعات، مسیر و کیفیت و محصول اندیشیدن او را تعیین

می‌کنند. به ویژه نحوه جذب اطلاعات جدید و سازگاری ذهنی با اطلاعات جدید اهمیت خاص دارد. آزمایشهای والاک



۱ و کوگان^۲ (۱۹۶۵) و آندرسون^۳ و کروپلی^۴ (۱۹۶۶) نشان داده اند که افراد خلاق طبقاتی ادراکی گسترده تر را از محیط می گیرند و یا میپ توانند تولید کنند. به نظر این پژوهشگران گستردگی ادراکی یکی از مشخصات بارز افراد خلاق است. کروپلی این ویژگی را به شیوه های اندیشیدن ارتباط می دهد که از بین آنها می توان وابستگی و عدم وابستگی به زمینه ، فراخی و محدودیت حیطه ادراک و یکنواختی و برجستگی را نام برد . ویژگی اسایی این شیوه های اندیشیدن این است که فرد به شیوه ای گسترده به محیط می نگرد و درباره آن می اندیشد (بهریزی ۱۳۷۵)

عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی

کودک در طی مراحل مختلف رشد همانقدر که نیاز به استقلال فکری و عملی دارد، به همان میزان هم به کمک والدین نیاز دارد. این نیاز با شروع دوران تحصیل محسوس تر می شود. اینجاست که اولیاء باید با علم و اطلاع و کاملاً آگاهانه به یاری کودکان خود بشتابند اما این مشارکت نیابد به گونه ای باشد که طفل ضعیف و متکی به دیگران بار بیاید. به وجود آوردن اتکاء به نفس در کودک و ایجاد حس مسئولیت در او بهترین راه موفقیت آنان است و کمک های

۲- Wallack

۳-Kogan

۴-Anderson

۵- Cropley



اولیاء در یاد دادن مطالب درسی باید چنان باشد که کودک فکر کند این خود اوست که مشکلاتش را از پیش پایش بر می دارد. باید دانست که کودکان هم از داشتن استقلال احساس غرور می کنند.

تاثیر معلمان بر خلاقیت

اگر از فعالیتهای کلاس صرفاً یک هدف یا مقصود خاص مورد نظر باشد، کودک دارای تفکر واگرا خواه ناخواه باعث آزار و تحریک معلم خواهد شد و امتیازهایی از او خواهد گرفت. کودک دارای خلاقیت زیاد از آن رو در کلاس موجب تحریک معلم می شود که به اندازه دانش آموزان دیگر مطیع و قابل انعطاف نیست. (بهروزی ۱۳۷۵)

تورنس (۱۹۶۵) (نقل از بهروز ۱۳۷۵) به نوبه خود تأثیر معلم را صرف نظر از موفقیت تحصیلی و منحصرأ با توجه به بهره گیری شاگردان از خلاقیت مورد تحقیق قرار داد. تورنس نخست در ماه ژانویه در بیست کلاس یک مدرسه ابتدائی یک آزمون خلاقیت اجرا کرد و موازی همان آزمون را در ماه مه روی همان شاگردان اجرا نمود. تفاوت در نتایج دو آزمون اجازه می دهد که بهره گیری شاگردان از خلاقیت اندازه گیری شود. از طرف دیگر معلمان این شاگردان هم به دو دسته تقسیم شدند

تورنس یادآور شده است که در یک محیط آموزشی دانش آموزان به گونه ای کاملاً بالقوه تابع مهارتهای تدریس است. دانش آموزانی که تعلیم دیده اند که در مقاله ها و داستانهایی که می نویسند مبتکر باشند گرایش بیشتری به مبتکر بودن خواهند داشت. اگر تعلیم دیده باشند که روان بنویسند (یعنی جوابهای مختلف زیادی ارائه دهند) همین کار را خواهند کرد. چنین نتایجی، که نشان می دهد فعالیت فکری کلاس تا حد زیادی تابع قوه ابتکار معلم است. فرصت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

و مسئولیتی عظیم به وجود می‌آورد. معلم می‌تواند مشوق اندیشه خلاق و تخیلی باشد، اما همینطور می‌تواند با انواع

تکالیفی که پیشنهاد می‌کند و سبک و رفتاری که در کلاس در پیش می‌گیرد آن را منکوب با تضعیف کند.

عقلانه است به خاطر بیاوریم که مسئولیت تربیت صحیحی معلمان به عهده مراکز تربیت معلم است و مسئولیت

بالابردن سطح مهارتهای آنان با مدیران مدارس در نظام آموزشی می‌باشد (بهروزی ۷۵)

جامعه

جامعه عبارت است از کلیه دانش آموزان پسر کلاس ششم ابتدایی شهر شیراز

نمونه

نمونه آوری در این پژوهش ۱۲۰ نفر دانش آموز پسر کلاس ششم دو تا از مدارس شیراز می‌باشد که با استفاده

از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند

طرح تحقیق

این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد، چون این تحقیق به دنبال رابطه بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی می‌باشد، به

عبارت دیگر هیچ کدام از متغیرها دستکاری نشده اند و صرفاً رابطه بین دو متغیر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی مورد

نظر می‌باشد.



ابزار اندازه گیری:

در این پژوهش به منظور اندازه گیری متغیر های مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱- آزمون مداد کاغذی چند جوابی برای سنجش خلاقیت (MPPT)^۱ ۲- ریزنمرات دروس مختلفی که دانش آموزان گذرانده اند.

آزمون مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت (MPPT):

عابدی (۱۳۹۲) کوشش کرد که وسیله ای برای اندازه گیری خلاقیت بیابد که ضمن دارابودن اعتبار و پایایی قابل قبول در زمان نسبتاً کوتاهی اجرا و نمره گذاری شود. در سالهای ۶۳-۱۳۶۲ عابدی بر پایه تئوری و تعریف تورنس از خلاقیت یک آزمون ۷۵ سئوالی (چند جوابی) برای اندازه گیری خلاقیت ساخت. مواد این آزمون در چهارگروه سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط قرارمی گیرد وی در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه کالیفرنیا با کمک یکی از دانشجویان درس آمار و روش تحقیق این آزمون را از نو طراحی نموده و بارها مورد تجدید قرار دادند. فرم کنونی آن در سال ۱۹۹۲ توسط گروه استادان دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس ساخته شد.

روش نمره گذاری این آزمون به این صورت است که چون این آزمون دارای ۶۰ ماده می باشد که تعداد ۲۲ ماده در بخش ابتکار، ۱۶ ماده در بخش سیالی، ۱۱ ماده در بخش انعطاف پذیری و ۱۱ ماده در بخش بسط تقسیم شده است و هر ماده دارای ۳ گزینه می باشد. و گزینه ها نیز به ترتیب میزان خلاقیت را از کم به زیاد مشخص می کنند که به

۱- Multiple choice Paper and pencil test for measuring creativity



ترتیب نمره ای از ۱ تا ۳ به آنها تعلق می گیرد. این نمره ها در چهار گروه جمع شده و بدین ترتیب چهار نمره به دست آمده و با جمع چهارنمره می توان یک نمره کل برای خلاقیت آزمودنی بدست آورد. (عابدی ۱۳۷۲)

پایانی^۱ آزمون MPPT

در سال ۱۳۶۳ فرم اولیه این آزمون توسط عابدی بر روی تعداد ۶۵۰ نفر از دانش آموزان کلاسهای سوم راهنمایی در تهران اجرا شد. ضرایب پایانی بخش های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط که از طریق باز آزمایی به دست آمد به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴/۸۲، ۰/۸۰/۰، ۰/۰ بود. همچنین فرم کنونی این آزمون توسط اساتید دانشگاه دوستو اسپانیا (۱۹۹۲) از آمریکا به اسپانیا برده شد و در آن جا نیز مورد استفاده و آزمایش قرار گرفت. آنها برای سنجش پایانی آزمون از روش ضریب همسانی درونی آلفای کرانباخ استفاده کردند. این ضریب برای سیالی ۰/۷۵، برای بخش ابتکار ۰/۶۷، برای بخش انعطاف پذیری ۰/۶۱ و برای بخش بسط ۰/۶۱ بود. به طوری که ملاحظه می شود ضرایب پایانی این آزمون در این اجرا نسبت به ضرایب پایانی فرم آغازین که در ایران به کار رفت از روش باز آزمایی که روش مناسب تری برای برآورد پایانی این گونه آزمونها است کمتر شده است. در حالیکه در اسپانیا اجرای مجدد این آزمون امکان پذیر نشد. کفایت نیز سال ۱۳۷۳^۲ جهت محاسبه پایانی آزمون مداد کاغذی چند جوابی برای سنجش خلاقیت از روش های آلفای کرانباخ و تنصیف استفاده کرده است. برای محاسبه ضریب پایانی و مقیاسهای فرعی آزمون در فرمول اسپیرمن

۱-reliability

۲- پایان نامه کارشناسی ارشد



براون قرار داده شد و نتایج زیربردست آمد: کل آزمون ۰/۸۷، مقیاس های سیالی ۰/۷۸، انعطاف پذیری ۰/۶۳، ابتکار ۰/۴۰ و بسط ۰/۶۷.

روش آماری

برای تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش از روش های آماری زیر استفاده شد.

۱- شاخص های مرکزی (میانگین)

۲- استفاده از شاخص های پراکندگی (انحراف استاندارد و واریانس)

۳- استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

تجزیه و تحلیل داده ها

در این فصل با استفاده از روش های مناسب آماری (شاخصهای مرکزی، پراکندگی و ضریب همبستگی پیرسون) داده های جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

بنابراین ضریب همبستگی بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی (۰/۲۹) مثبت و معنادار می باشد و نتیجه گرفته می شود که بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت وجود دارد.

محدودیت های تحقیق

این پژوهش نیز مانند دیگر پژوهش ها، خالی از نقض و محدودیت نسیت که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- عدم همکاری و دقت کافی و حوصله از سوی برخی از دانش آموزان برای شرکت و پاسخدهی به تمام سئوالات

آزمون



۲- طولانی بودن آزمون خلاقیت بکار برده شده که به دقت زیادی احتیاج داشت.

۳- ضعف دانش آموزان در درک مفهوم برخی از سئوالات آزمون خلاقیت به طوری که نیاز به توضیحات مکرر

احساس شد.

پیشنهادهای تحقیق

۱- همان طور که نتایج تحقیق نشان داد که خلاقیت با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد بنابراین افزایش آگاهی

معلمین و والدین در زمینه روش های پرورش خلاقیت پیشنهاد می شود زیرا که خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و

کنکاش رشد می کند.

۲- دانش آموزان را تشویق کنیم به این که علاوه بر درس خواندن در فعالیت های فوق برنامه همچون تئاتر، مجله

مدرسه، روزنامه های دیواری و... شرکت کنند.

۳- دانش آموزان را طوری بار بیاوریم که بتوانند به ارزیابی خود بپردازند و قادر به احساسات خود باشند چرا که بیان

احساسات یکی از راههای پرورش خلاقیت می باشد.

۴- اجرای تحقیق حاضر در سطوح آموزشی دیگر

نتیجه گیری

هدف از تحقیق: بها دادن به ذهنهای خلاق و آگاهی دادن به جامعه درباره این استعدادها و چگونگی برخورد با آنها و

راههای رشد و پرورش خلاقیت آنها و مشخص کردن رابطه خلاقیت پیشرفت تحصیلی بود.



گفته شد که خلاقیت فرآیندی است مشتمل بر حساسیت به مسائل، کمبودها، تنگناها و ناهماهنگی که در پی تشخیص این مشکلات و کمبودها به وجود می آید و به دنبال آن جستجو برای یافتن راه حل هایی جهت دفع آن مشکلات می باشد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نیز همان موفقیت تحصیلی آنها در دروس مختلف آنها می باشد. همین طور مشخص شد که هوش و خلاقیت دو عامل فکری جداگانه می باشند و تفکر همگرا یا تفکری که منجر به راه حل درست واحدی می باشد که براساس واقعیت های ارائه شده قابل کشف است مربوط به هوش و تفکر واگرا یا تفکری که در جهات مختلف سیر می کند و کمتر تحت انقیاد واقعیت های ارائه شده قرار می گیرد و منجر به راه حل های گوناگون می شود مربوط به خلاقیت می باشد خلاقیت دارای مراحل می باشد که شامل آماده سازی یا شناسایی و جمع آوری حقایق، دوره نهفتگی یا سازمان بندی اطلاعات بصورت ناخودآگاه، اشراق یا پدیده آها یا دریافتن راه حل مسأله به طور ناگهانی، اثبات یا سنجش مراحل قبل می باشد و برنامه ریزی آموزشی بیشتری روی مرحله آماده سازی و اثبات تأثیر دارد و کمتر روی مرحله نهفتگی و اشراق تأثیر دارد.

همین طور عواملی دیگر مانند انگیزش، خویشتن پذیری و نقش اطلاعات در خلاقیت تأثیر دارند.

در واقع اطلاعات ماده خام خلاقیت می باشند و انگیزش و نیروی محرک نیز به کار اندازنده خلاقیت در انسان می باشد و خویشتن پذیری نیز صفتی است که منجر به خلاقیت در افراد می گردد.

همین طور برای افراد خلاق یک سری ویژگیها ذکر شد از جمله کنجکاوی، پشتکار، نیاز به استقلال و شک گرایی، بازیگوشی فکری، اعتماد به نفس، آگاهی، شوخ طبعی و... و برای پرورش خلاقیت در کودکان و نیز پیشنهادهایی ارائه گردید از جمله احترام گذاشتن به سئوالات عادی و غیرعادی کودکان به سئوالات کودک باید



طوری جواب داد که کودک را به سؤالات تازه هدایت کند، نشان دادن به کودکان که عقاید آنها با ارزش است و احترام گذاشتن به عقاید آنها و تدارک دیدن فرصتهای مناسب برای یادگیری مبتکرانه و قدردانی از این نوع یادگیری ها، همین طور گاهی اوقات لازم نیست که یادگیری کودکان را همیشه مورد ارزشیابی قرارداد چرا که به قول راجرز ارزشیابی در انسان احتیاج به دفاع را بر می انگیزد و این کار جلوی خلاقیت رامی گیرد، تکمیل کردن اشیاء و امور ناکامل توسط کودکان مشاهده اشیاء از نزدیک و دستکاری کردن آنها و پرورش کنجکاوی و خلاقیت آنها و احترام به تخیلات کودکان که می توانند منجر به خلاقیت در کودکان گردد. همین اولیاء مدرسه و معلمان نیز نقش مهمی در بارور کردن خلاقیت دانش آموزان دارند و باید طوری رفتار کنند که حس کنجکاوی و تفکر خلاق را در دانش آموزان رشد دهند . و دانش آموزان را با صمیمیت و به همان صورتی که هستند بپذیرند و محیطی را برای کودکان فراهم کنند که هم آزادی بیان و هم ارتباطات سالم را تأمین کند و محیطی که نه بیش از اندازه آزاد باشد و نه هم به صورت خیلی رسمی، چراکه در دو حال جلوی خلاقیت گرفته می شود.

همین طور مشخص شد که نظریه های مختلفی به تبیین خلاقیت پرداخته اند: از جمله نظریه های بسیار قدیمی (یونان باستان) در این مورد شامل ۱- خلاقیت را به عنوان الهامی خدایی می دانند که معتقدند که فرد خلاق از نیروی انسانی برخوردارند و حتی امروز هم رایج است و خلاقیت را غیرقابل شناخت می دانند ۲- خلاقیت را شکلی از دیوانگی می دانند که حتی امروزه هم بسیاری از افراد خلاق و دانشمندان را نام می برند که عصبی یا دیوانه اند. ۳- خلاقیت را به عنوان نبوغ شهودی می دانند و فرد خلاق را متفاوت از دیگران و نادر می دانند یعنی این شخص آنچه را که دیگران به صورت استدلال و در دراز مدت در می یابند، بدون واسطه و مستقیم درک می کند. ۴- خلاقیت رابه عنوانی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نیروی حیاتی می دانند و معتقدند که خلاقیت انسان نمایانگر نیروی خلاق است که در ذات خود زندگی نهفته است و بر طبق این دیدگاه معتقدند که آموزگار از دو راه می تواند نیروی طبیعی خلاقیت را تقویت کند یکی با استفاده از انتخاب روشها و مطالب صحیح تربیتی است و دیگری برانگیختن شورو شوق در دانش آموزان می باشد.

منابع

- ۱- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱) نوجوانان، استقلال، شخصیت و خلاقیت، نشریه ماهانه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان شماره ۱۵۸
- ۲- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱) نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان، نشریه ماهانه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان شماره ۱۵۹
- ۳- بهروزی، ناصر، (۱۳۷۵) رابطه ویژگی های شخصیتی با خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با عملکرد تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، حسین شکر کن، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران
- ۴- خانزاده، علی (۱۳۶۳) پرورش خلاقیت در کودکان، نشریه ماهانه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان شماره ۱۵۸
- ۵- عابدی، جمال (۱۳۷۲) خلاقیت و شیوه های نو در اندازه گیری آن، مجله پژوهشهای روان شناختی، دروه دوم، شماره ۱ و ۲، ص ۵۴-۶۴
- ۶- عصاره، علیرضا (۱۳۷۷) یادگیری و خلاقیت، نشریه ماهانه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان شماره ۲۳۳



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

۷- غفارزادگان، داوود (۱۳۶۸) چگونه می توان به پیشرفت تحصیلی کودکان کمک کرد. نشرهی ماهانه پیوند، انتشارات

انجمن اولیاء و مربیان. شماره ۱۲۳

۸- کفایت، محمد (۱۳۷۳) بررسی ارتباط شیوه های و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت و بررسی رابطه خلاقیت با

هوش و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما حسین شکرکن. دانشکده علوم تربیتی و روان

شناسی دانشگاه شهید بهشتی .

ضمائم

تعدادی از سئوالات

آزمون مدد کاغذی چند گزینه ای سنجش خلاقیت (MPPT)

۱- وقتی که با مسئله خیلی دشواری روبرو می شوید، معمولاً چه می کنید؟

الف- گریه می کنم، چون فکر نمی کنم بتوانم مسئله را حل کنم.

ب- گریه نمی کنم، اما ناراحت می شوم.

ج- سعی می کنم راه مناسب برای حل مسئله بیابم.

۲- اگر سرگرم ساختن وسیله ای باشید و ناگهان دریابید قطعه مهمی از آن را گم کرده اید چه می کنید؟

الف- کار را متوقف می سازم

ب- سعی می کنم قطعه گم شده را پیدا کنم و اگر نتوانم آن را پیدا کنم کار را متوقف می کنم

ج- سعی می کنم قطعه گم شده را پیدا کنم و اگر بتوانم به جای آن یک قطعه دیگر می سازم.



۳- وقتی که در مکانی عمومی هستید آیا هرگز سعی می کنید تا حدس بزنید افرادی که دور شما هستند درباره

چیزی بحث می کنند؟

الف- هرگز علاقمند نیستم حدس بزنم دیگران درباره چه چیز بحث می کنند.

ب- گاهی دوست دارم حدس بزنم دیگران درباره چه چیز بحث می کنند.

ج- همیشه دوست دارم حدس بزنم دیگران درباره چه چیزی بحث می کنند.

۴- آیا از حل مسائل دشوار لذت می برید؟

الف- خیر از حل مسائل دشوار لذت نمی برم.

ب- به ندرت از حل مسائل دشوار لذت می برم.

ج- اغلب از حل مسائل دشوار لذت می برم.

۵- اگر عضو گروهی باشید که مسئله ای را با همکاری حل کند، چه می کنید؟

الف- خودم کاری نمی کنم و نمی گذارم اعضای دیگر گروه مسئله را حل کنند.

ب- گاهی در آنچه گروه انجام می دهد، شرکت می کنم.

ج- به طور فعال در آنچه گروه انجام می دهد شرکت می کنم.

۶- وقتی که با مسئله تازه ای روبه رو می شوید معمولاً چه می کنید؟

الف- از کس دیگری می خواهم آن را برایم حل کند.

ب- سعی می کنم با کمک کس دیگر آن را حل کنم.



ج- سعی می‌کنم اطلاعات بیشتری بدست آورم، تا بتوانم خودم آنرا حل کنم.

۷- اگر درگیر حل یک مسئله مشکل ریاضی باشید چه می‌کنید؟

الف- از یک معلم یا شخص دیگر می‌خواهم که به من کمک کند.

ب- یک کتاب ریاضی مربوط به مسئله را می‌خوانم.

ج- از همه منابعی که در دسترس دارم، استفاده می‌کنم.

۸- وقتی در گروه برای حل یک مسئله کار می‌کنیم اعضای گروه چگونه از نظرات مبتکرانه شما استقبال می‌کنند؟

الف- به ندرت از نظرات مبتکرانه من استفاده می‌کنند.

ب- گاهی از نظرات مبتکرانه من استقبال می‌کنند.

ج- اغلب از نظرات مبتکرانه من استقبال می‌کنند.

۹- وقتی با مشکلی غیرعادی مواجه می‌شوید معمولاً آن را چگونه رفع می‌کنید؟

الف- اغلب، از کسی کمک می‌گیرم.

ب- قبل از اینکه از کسی کمک بگیرم مدت کوتاهی تلاش می‌کنم تا خودم آن را حل کنم.

ج- مدتی بسیار طولانی تلاش می‌کنم تا خودم آن را حل کنم.

۱۰- آیا به نظر دیگران شما سئوالات مشکلی طرح می‌کنید؟

الف- خیر، این طور فکر نمی‌کنند.



ب- گاهی این طور فکر می کنند.

ج- اغلب این طور فکر می کنند.

۱۱- آیا معمولاً دوست دارید به کارهای تازه دست بزنید؟

الف- معمولاً به کارهای تازه دست نمی زنم.

ب- گاهی به کارهای تازه دست می زنم.

ج- اغلب به کارهایی تازه دست می زنم.

۱۲- وقتی با مسئله پیچیده ای روبه رو می شوید چه می کنید؟

الف- سعی می کنم خود را درگیر حل آن نکنم.

ب- ممکن است کوتاه زمانی برای حل آن تلاش کنم.

ج- زمانی بسیار طولانی برای حل آن تلاش می کنم.

۱۳- آیا از تجارب تازه لذت می برید؟

الف- از تجارب تازه لذت نمی برم.

ب- گاهی از تجارب تازه لذت می برم.

ج- از تجارب تازه لذت می برم.

۱۴- وقتی در موقعیتی قرار می گیریم که از عهده آن بر نمی آید چقدر به دیگران متوسل می شوید؟

الف- اغلب به دیگران متوسل می شوم.



ب- گاهی به دیگران متوسل می شوم.

ج- معمولاً ترجیح می دهم به خودم متکی باشم.

۱۵- آنچه مستقلاً انجام می دهید، چقدر اطمینان دارید؟

الف- به آنچه خودم مستقلاً انجام می دهم اطمینان زیادی ندارم.

ب- به آنچه خودم مستقلاً انجام می دهم تا حدودی اطمینان دارم.

ج- به آنچه خودم مستقلاً انجام می دهم اطمینان زیادی دارم.

۱۶- آیا از انجام آزمایشات علمی لذت می برید؟

الف- از انجام آزمایش لذت نمی برم.

ب- از انجام آزمایش تا حدودی لذت می برم.

ج- از انجام آزمایش خیلی لذت می برم.

۱۷- هرگز به رؤیا فرو می روید؟

الف- خیر من به رؤیا فرو نمی روم.

ب- گاهی اگر وقت داشته باشم به رؤیا فرو می روم.

ج- اغلب اگر وقت داشته باشم به رؤیا فرو می روم.

۱۸- در بیان مطالب خود با چه سهولتی از کلمات استفاده می کنید؟

الف- معمولاً اشکال دارم.



ب- گاهی اشکال دارد.

ج- به ندرت، اشکال دارد.

۱۹- بیان شما چه اندازه خوب است؟

الف - مطالب را به خوبی بیان نمی‌کنم.

ب- گاهی مطالبم را به خوبی بیان نمی‌کنم.

ج- اغلب مطالبم را به خوبی بیان می‌کنم.

۲۰- نوشتن شما تا چه اندازه خوب است؟

الف- در نوشتن نظراتم اشکال دارم.

ب- شاید بتوانم نظراتم را بنویسم.

ج- کاملاً می‌توانم نظراتم را بنویسم.

۲۱- اگر عده ای از افراد به نحوی غیرمنتظره از شما بخواهند که بیش از پنج دقیقه درباره موضوعی صحبت کنید تا

چه اندازه از عهده این کار بر خواهید آمد؟

الف- از عهده اش بر نخواهیم آمد زیرا برای آن آمادگی نداشته‌ام.

ب- نهایت سعی خود را خواهیم کرد تا از عهده آن برآیم.

ج- به خوبی از عهده آن بر خواهیم آمد.

۲۲- برای توصیف چیزی با چه سهولتی به کلمات دست پیدا می‌کنید؟



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

الف- معمولاً این کار برایم دشوار است.

ب- گاهی این کار برایم آسان است.

ج- اغلب این کار برایم آسان است.